

## بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی

عبدالله متولی<sup>۱</sup>

**چکیده:** حکومت صفویه در شرایطی شکل گرفت که با دشمنی عثمانی‌ها در غرب و ازبکان در شرق روبه‌رو شد. این اختلافات مذهبی یکی از مسایلی بود که در کنار ملاحظات سیاسی و جغرافیایی به تشدید روابط غیر دوستانه‌ی این حکومت با دو همسایه‌ی شرقی و غربی منجر می‌شد. در چنین شرایطی، صفویان تلاش می‌کردند با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، در کنار اقدامات نظامی، اقتدار خود را بر دشمنان‌شان تحمیل نمایند. یکی از این ابزارها ارسال نامه‌های متعدد برای تأثیرگذاری بیش‌تر بر عثمانی‌ها و ازبکان بود. این نامه‌ها افزون بر مباحث سیاسی و نظامی، مضامین مذهبی تشیع را نیز دربرداشت، که علاوه بر بیان سرآمدی سیاسی و مذهبی صفویان، در پی نشان دادن اعتبار روزافزون مذهب تشیع نسبت به سایر مذاهب هم بود. در این راستا، هدف این نوشتار، بررسی جنبه‌های مذهبی مراسلات عصر صفویه در نشان دادن اعتبار و سرآمدی مذهب تشیع و حکومت صفوی نسبت به حکام همسایه است؛ به عبارتی، این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این پرسش‌هاست که، آیا مراسلات برون مرزی دوره‌ی صفویه در پی بیان سرآمدی مذهبی صفویان بوده است؟ و پرسش دیگر آن است که، آیا صفویان برای ابراز سرآمدی مذهبی خود در نامه‌ها از مدارک مستندی بهره جستند؟ در پاسخ به پرسش‌های مذکور، فرضیه‌های مطرح شده بدین قرار است: به نظر می‌رسد صفویان به لحاظ کاربرد مکرر مستندات مذهبی در نامه‌ها به گونه‌ای وجه تأثیرگذاری مذهبی را مورد نظر داشته‌اند؛ و از سوی دیگر، مستندات کاربردی آن‌ها نیز متقن و قابل دفاع بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** شیعه، ائمه، صفویان، نامه‌ها، مراسلات، آیات، روایات

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک a.motevaly@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۲۴، تاریخ تأیید: ۹۱/۳/۲۷

## Reflection of Religious Approaches in Savafid Period's Correspondences

Abdollah Motevali<sup>1</sup>

**Abstract:** Savavid period was formed in a situation in which it has been encountered with the hostility of Ottomans in the West and that of Uzbeks in the East. Religious oppositions along with the geographical and political considerations led to intensify the unfriendly relationship of this period with both West and East. Under such a circumstances, Savafids made a great effort to impose their power over their enemies via the use of the diplomatic tools and the military actions. Letter writing was one of the tools upon which Safavids put much more effects on Uzbeks and Ottomans. In addition to political and military issues, these letters contained religious contents that aimed at showing the increasing validity of Shiite piety towards others. In this regard, the purpose of this paper is to investigate the aspects of the religious correspondence in revealing the validity of Shiite and that of Savafid period toward their neighbors. In other words, this research aims to answer such questions as: whether Savavid's cross border correspondence aimed at sharing Safavid religious excellence? And, did they take advantage of evidences in letters for showing their religious excellence? The main hypothesis is that it seems that Safavids have taken the advantage of the religious influence in their correspondences. Also, we can say Safavid practical documents are strong as well as justifiable.

**Keywords:** Shiite, Imams, Safavids, Letters, Correspondence, Narratives

---

1 Assistant Professor in History, Arak University a.motevaly@gmail.com

## مقدمه

شکل‌گیری حکومت صفویه در ساختار جغرافیایی ایران، پس از مدت‌ها بی‌نظمی در این منطقه، بسیار حایز اهمیت بود. با عنایت به این که صفویان مذهب رسمی خود را شیعه اعلام کردند، شرایط را هم از لحاظ سیاسی و هم مذهبی، حساس‌تر نمودند. این ویژگی به لحاظ آن که تا آن زمان در چارچوب عمومی جغرافیایی ایران حکومتی فراگیر با مذهب رسمی شیعه شکل نگرفته بود، بسیار مهم به حساب می‌آمد. وجود عثمانی‌ها در غرب، ازبکان در شمال شرق و تا حدودی تیموریان هند در شرق و جنوب شرق، به لحاظ تمایز مذهبی با صفویان، شرایط را پیچیده‌تر می‌کرد. صفویان برای تثبیت و تداوم موقعیت سیاسی و در عین حال حفاظت از باورهای مذهبی خود، ناچار بودند از تمامی امکانات بهره ببرند.

در کنار تکاپوهای نظامی که در شرایط آن روز حرف اول مناسبات بین دولت‌ها را شکل می‌داد، تلاش‌های دیپلماتیک نیز صورت دیگری برای شکل‌بخشیدن به مناسبات و یا تعاملات مورد بحث محسوب می‌شد. تردد و تبادل مکرر سفیر در بین دربار ایران و مناطق ذکر شده نشان دهنده‌ی فعال بودن خط ارتباطی مذکور در این دوره است. بنابراین، بایستی اذعان نمود که اتکا بر نامه‌نگاری به منظور کاستن از مخاطرات نظامی در این زمان حایز اهمیت بوده است. متن نامه‌های رد و بدل شده نشان می‌دهد که عرف معمول سیاسی در آن‌ها رعایت می‌شد، به گونه‌ای که مکاتبات دوستانه با ادبیات خاص خود و به‌منظور جلب طرف مقابل انجام می‌گرفت و نامه‌های خصمانه با ادبیات تند و خشن برای خلع سلاح روانی و تخریب مبانی فکر سیاسی و باورهای مذهبی آن‌ها کاربرد ویژه‌ای داشت. یکی از صورت‌های مهمی که در اکثر نامه‌ها جنبه‌ی بنیادی و ثابت داشت، ارائه و پافشاری صفویه در اثبات حقانیت و تبلیغ باورهای مذهبی بود که سبب می‌شد متن بیشتر نامه‌ها مملو از دیدگاه‌ها و نگرش‌های مذهبی باشد.

بر این اساس، پرسش‌های اصلی این پژوهش نیز در همین راستا قابل طرح هستند: اول آن که، آیا مراسلات برون مرزی دوره‌ی صفویه در پی بیان سرآمدی مذهبی صفویان بوده‌اند؟ و پرسش دیگر آن که، آیا صفویان برای ابراز سرآمدی مذهبی خود از مدارک مستند بهره جسته‌اند؟ با مراجعه به بخش عمده‌ای از نامه‌های باقی‌مانده می‌توان دریافت که اصرار صفویان در اکثر این نامه‌ها بر ارائه‌ی مضامین شیعه، تلاشی به منظور اثبات سرآمدی مذهبی خود بوده است. همچنین، کاربرد آیات و روایاتی که در بیشتر این نامه‌ها به کار گرفته شده، حاکی از

توجه آن‌ها به مستند نمودن ادعاهای مذهبی مورد پذیرششان بوده است. در پژوهش‌هایی که در خصوص صفویان نوشته شده است، از منظری که این نوشتار مسایل مربوط به نامه‌های این دوره را بررسی می‌نماید، اثری مستقل و تحلیلی به نظر نیامد. درباره‌ی گردآوری و انتشار مکاتبات این دوره، کارهای عبدالحسین نوایی و یا ذبیح الله ثابتیان شایان ذکر هستند. البته، کتاب‌های یاد شده از جنبه‌های بررسی محتوایی و موضوعی تمرکز چندانی بر مکاتبات نداشته‌اند و تنها با ذکر مقدمه، عین نامه‌ها را انتشار داده‌اند. در خصوص جنبه‌ی تحلیلی مکاتبات نیز، مقاله‌ای از غلامرضا امیرخانی در نشریه‌ی گنجینه‌ی اسناد منتشر شده است، که در آن، به شکل مختصر و با الگویی متفاوت، چند نمونه از نامه‌های ارسالی به ازبکان را مورد بررسی محتوایی قرار می‌دهد. به لحاظ حجم انبوه مکاتبات و اهمیتی که در خصوص مناسبات خارجی داشته‌اند، زمینه‌های شایان توجهی برای بررسی و تحلیل این مکاتبات به چشم می‌خورد. بر همین مبنا، نوشتار حاضر از چشم‌انداز مذهبی و به صورت محتوایی، بخشی از این نامه‌ها را مورد توجه قرار داده است.

### جایگاه تاریخی ترسل

ترسل و انشای یکی از داده‌های مهم ادب فارسی است که ظاهراً در گذر تاریخی ایران برحیطه‌ی اهمیت و جنبه‌های کاربردی آن افزوده شده است. جدای از دوران پیش از اسلام تاریخ ایران که در قالب‌های خاص خود اشکالی از ترسل و نامه‌نگاری برقرار بوده است، با آغاز دوره‌ی اسلامی تاریخ ایران، به لحاظ آن‌که اعراب در این زمینه فاقد توان‌مندی‌های لازم بودند، لاجرم عناصر ایرانی در خصوص تنظیم مراسلات و مکاتبات یاری‌گر تازه‌واردین شدند. این روند با شکل‌گیری حکومت‌های نیمه‌مستقل ایرانی صورت جدی و متمایزی به خود گرفت، به گونه‌ای که دیوان انشا و رسایل در زمره‌ی پرکاربردترین دیوان‌ها محسوب می‌شد و کاتبان نیز می‌بایستی در تمامی علوم سرآمد بوده و، همچنین دارای سبک خوب و مسلط بر زبان باشند.<sup>۱</sup> بر اساس گزارش تاریخ سیستان، از زمان یعقوب لیث زبان دیوان رسایل از عربی به سوی فارسی تغییر جهت داد.<sup>۲</sup> به رغم این دگرگونی، چنین به نظر می‌رسد، به لحاظ تداوم تسلط اعراب، همچنان عربی لفظ غالب در مکاتبات بوده است. اما این سیر با روی کار آمدن سامانیان

۱ کارلا کلوزنر (۱۳۶۳)، دیوانسالاری در عهد سلجوقی، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۸۶.

۲ آدموند کلیفورد باسورث (۱۳۷۰)، تاریخ سیستان، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۵۲.

جلوه‌ی دیگری یافت. حمایت بی‌دریغ شاهان سامانی از زبان فارسی، رونق خاصی در این خصوص پدید آورد. تلاش آن‌ها بر گردآوری عناصر فارسی زبان صاحب‌نظر در دربار، روحی تازه به ادب فارسی بخشید. به تبع این رفتار، مکاتبات دیوانی نیز به زبان فارسی تنظیم می‌شد. وجود صاحب دیوان رسایل که از جانب وزیر انتخاب می‌شد، حاکی از اهمیت این منصب در دوره‌ی سامانیان است.<sup>۱</sup> ظاهراً دبیران دیوان رسایل در این دوره می‌بایست تحت آموزش‌های خاصی قرار بگیرند و برخی شهرها در خصوص افزونی تعداد دبیران شهرت داشتند.<sup>۲</sup>

در حکومت‌هایی مانند آل‌بویه و زیار نیز دیوان رسایل همچنان از شأن و مکانت بالایی برخوردار بود و نگارش آثاری مانند *قابوس‌نامه*، حکای از تمرکز بر امر دیوان رسایل بوده است. در بخشی از این اثر، در باب شرایط دبیری و شخص کاتب، ویژگی‌هایی مانند خوش‌خطی، بسیار نوشتن و مهارت در نوشتن را ذکر کرده است و در جای دیگری اشاره می‌کند که نامه‌ها می‌بایست به استعارات و آیات قرآن و اخبار رسول (ص) آراسته گردد.<sup>۳</sup>

دیوان رسالت در دوره‌ی غزنوی نامه‌هایی را که از قدرت‌های خارجی می‌رسید، دریافت می‌کرد و به نوبه‌ی خود، نامه‌هایی به آن‌ها ارسال می‌داشت.<sup>۴</sup> اهمیت موضوع کتابت و مراسلات در نزد حکومت‌ها باعث شد تا این روند همچنان به‌عنوان یک میراث در چارچوب سازمانی حکومت‌ها باقی بماند و در زمینه‌ی ارتقای جایگاه آن تکاپوهای شایان توجهی در قالب آثار نوشتاری پدید آید. کتاب مؤید بغدادی نمونه‌ی بارزی از این تمایلات در اواخر دوره‌ی خوارزم‌شاهیان است.<sup>۵</sup> علاوه بر این، کتاب *همایون‌نامه* در دوره‌ی آل‌مظفر در خصوص شیوه‌ی نامه‌نگاری و *ریاض‌الانشاء* نوشته‌ی صدرجهان در سده‌ی نهم هجری قمری از نمونه‌های بارز توجه به موضوع مکاتبات است.

این روند در دوره‌ی تیموری با کتاب *مطلع‌سعدین* همچنان تداوم یافت.<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد با ورود به عصر صفویه، این سیر از سرعت بیش‌تری برخوردار شده است. ارتباطات و در عین حال برخوردهای طولانی‌مدت آن‌ها با همسایگان و با کشورهای دوردست نشان‌گر لزوم فعال‌بودن

۱ محمد رضا ناجی (۱۳۶۸)، *فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامان*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۲۱.

۲ ابواسحق ابراهیم اصطخری (۱۳۶۸)، *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، ص ۲۰۵.

۳ عنصرالمعالی کیکاووس وشمگیر زیار (۱۳۷۸)، *قابوس‌نامه*، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۷، ص ۲۰۸.

۴ ادموند کلیفورد باسورث (۱۳۶۲)، *تاریخ غزنویان*، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۸۹.

۵ بهاء‌الدین محمد بن مؤید بغدادی (۱۳۸۵)، *التوسل الی التوسل*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۴-۵.

۶ فیروز مردانی (۱۳۷۷)، «ترسل و نامه‌نگاری در ادب فارسی»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۴۷، ص ۳۸.

عرصه‌ی ارتباطات و نامه‌نگاری بوده است. چنین به نظر می‌رسد، این مهم نیز در آن زمان تحت نظر منشی‌الممالک صورت می‌گرفت.<sup>۱</sup> ظاهراً در این دوره امر تعلیم و آموزش کاتبان برای تنظیم انواع نامه‌ها با جدیت ادامه داشته است. وجود کتابی موسوم به منشآت سلیمانی، که با دستور مستقیم شاه سلیمان صفوی به انجام رسیده است و در فصول مختلف به توضیح چگونگی نگارش اقسام متعدد نامه‌ها می‌پردازد، این اهمیت را آشکار می‌سازد.<sup>۲</sup>

### تأملی بر نقش و اهمیت مراسلات

رسم نگارش نامه و بازکردن باب مکاتبه بین قدرت‌ها و حکومت‌ها از قدمت زیادی برخوردار است. آن گونه که از کتاب‌های مورخان پیشین یونان بر می‌آید، در زمان مادها و هخامنشیان نامه‌ها و مکاتیبی بین شاهان و بزرگان و فرمان‌روایان مبادله می‌شده است.<sup>۳</sup> بهره‌گیری از الگوی ارتباط کلامی و نوشتاری که با اهداف و مقاصد گوناگون صورت می‌گرفت، در گذر زمان پیشرفت شایان توجهی یافت و حکومت‌ها دریافتند که با اتکا بر شیوه‌ی نوشتاری می‌توانند به بخشی از مقاصد خود دست‌یابند، زیرا این رویکردها در عرصه‌های مختلف چشم-اندازهای گوناگونی را برای آن‌ها مهیا می‌نمود. بر همین اساس، در دوره‌های مختلف تاریخی آثاری در خصوص فنون نامه‌نگاری تدوین گردید که مبنای کار کسانی قرار می‌گرفت که مقرر بود نامه‌های حکومتی را تنظیم نمایند.<sup>۴</sup> بنابراین، در کنار ارتباط، پیوند و برخوردی‌هایی که مبتنی بر شرایط در بین حکومت‌ها پدید می‌آمد، بهره‌گیری از الگوی گفت‌وگو و ارسال نامه نیز دست‌افزار مؤثر و پرکاربردی تلقی می‌شد.

این مکاتبات می‌توانست در جلوه‌ها و جنبه‌های گوناگون برای حاکمیت سیاسی مفید و مؤثر واقع شود. میزان اهمیت و دقت در انتخاب کلمات و جملات نامه‌ها به اندازه‌ای بود که در یک مکتوب بازمانده از قائم مقام فراهانی، خطاب به یکی از فرستادگان سیاسی، آمده است: «... تا این حد هم اجازه و اذن می‌دهم که الفاظ مبهمه و فقرات ذواتمالین در فصلی که موقع ذکر مطلب است به زور میرزایی و قوه انشائی بگنجانند که راه سخن برای ما باقی بماند و

۱ ولادیمیر مینورسکی (۱۳۶۸)، سازمان‌های اداری حکومت صفویه، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۲، ص ۱۱۸.

۲ ر. ک: منشآت سلیمانی (۱۳۸۸)، به کوشش رسول جعفریان، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۳ ذبیح ثابتیان (۱۳۴۳)، اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره‌ی صفویه، تهران: ابن‌سینا، ص ۱۴.

۴ ذبیح‌الله صفا (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳/۵، تهران: انتشارات فردوسی، چ ۷، ص ۱۵۹۵.

این تصرف و تسلطی که حالا داریم سلب نشود.<sup>۱</sup> در کنار اهمیت به کارگیری نامه‌ها در تکوین و تداوم سیاست خارجی کشورها، از بُعد هدف‌مندی نیز ممکن بود جنبه‌های مختلفی از آن‌ها موردنظر بوده باشد. بخشی از این نامه‌ها کارکرد بازدارنده داشتند، و بخش دیگری دارای جنبه‌های اطلاعاتی و یا تبلیغاتی بودند.

در بخش بازدارندگی بیشتر در عرصه‌ی جنگ‌ها با رویکرد ایجاد مصالحه با طرف مقابل صورت می‌گرفت، اما در ابعاد دیگر آن، مانند کشانیدن طرف مقابل به یک اقدام متقابل، می‌توانست زمینه‌هایی را فراهم نماید که از طریق این نامه‌نگاری اطلاعات شایان توجهی از فضای عمومی طرف مقابل به دست آورد. اما از وجه تبلیغاتی نامه‌ها نبایستی غافل شد. این تبلیغات که بیشتر جنبه‌ی روانی پیدا می‌کرد، می‌توانست در دو عرصه‌ی مثبت و منفی پر کاربرد باشد. تلاش برای کسب نظر طرف مقابل به ایجاد مناسبات، کم کردن مخاطرات، تشویق به همکاری و هم‌پیمانی و امثال آن، از دیگر جنبه‌های کاربردی نامه‌ها بود.<sup>۲</sup>

در جنبه‌ی منفی که در مواقع جنگ کاربرد بیشتری داشت، تخریب روحی - روانی دشمن بود. بیان و توصیف ویژگی‌ها، توان‌مندی و شاکله‌های اقتدار حاکمیت، در کنار تهدید و تحقیر طرف مقابل، می‌توانست از لحاظ روحی و روانی دشمن را به عکس‌العمل و اقدام نابخردانه وادار کند و یا دچار تزلزل و بی‌ثباتی نماید. در حقیقت، این بخش از مکاتبات بیشتر برای صدمه‌زدن بر روح و روان اردوگاه دشمن صورت می‌گرفت. جلوه‌ی دیگری از متن مکاتبات که می‌توانست از ساختار تبلیغاتی تبعیت نماید، ارائه‌ی باورها و معتقدات مذهبی و ایدئولوژیک به طرف مقابل بود. این رویکرد، هم در عرصه‌ی مناسبات دوستانه کاربرد داشت، و هم در مکاتبات خصمانه کارکرد جدی‌تری می‌یافت. چنانچه طرف مکاتبه در تبیین مذهبی قرار داشت، رعایت الگوی مذهبی به عنوان یک قاعده در متن نامه‌ها مورد توجه بود و بخشی از آرایه‌های مکاتباتی را باورداشت‌های مذهبی پر می‌کرد.<sup>۳</sup> این اقدام هم نشان‌گر ثبات و عمق مذهب و ایدئولوژی موردنظر بود که لازم می‌آمد طرف مقابل به وجود و ثبات آن اقرار نماید و باورداشت طرف مکاتبه را به رسمیت بشناسد، و هم می‌توانست جنبه‌ی تبلیغاتی به خود بگیرد

۱ عبدالحسین نوایی (۱۳۲۴)، «سواد رقم عباس میرزا نایب السلطنه به میرزا محمد علی آشتیانی»، *مجله‌ی یادگار*، ش ۶، ص ۲، ص ۷۳.  
 ۲ محمودبن‌هدایت‌الله افوشته‌ای‌نطنزی (۱۳۷۳)، *نقاوه‌الآثار*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲، ص ۴۱۶؛ ریاض الاسلام (۱۳۷۳)، *تاریخ روابط ایران و هند*، ترجمه‌ی محمدباقر آرام و عباسقلی‌غفاری‌فرد، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۳۱۲-۳۱۳.

۳ عبدالحسین نوایی (۱۳۵۰)، *شاه تهماسب (اسناد و مکاتبات تاریخی)*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

که شاید تعدادی از جبهه‌ی دشمن را از ویژگی‌ها و توان‌مندی‌های ایدئولوژی خود آگاه نماید.

### سنخ‌شناسی موضوعی مراسلات

حکومت صفویه به علت برخورداری از چارچوب جغرافیایی قابل تعریف و همچنین داشتن تکیه‌گاه مذهبی مطمئن در الگوی ارتباطی، ظرفیت‌های موجود خود را به کار گرفت و هم‌گام با تحركات سیاسی-نظامی، از مزایا و کارکردهای مراسلات در قالب‌ها و موضوع‌های مختلف غافل نبود. علاوه بر تکاپوهای مراسلاتی داخلی و منطقه‌ای، بروز شرایط جدید جهانی و حضور اروپاییان در شرق و تلاش آن‌ها برای برقراری پیوند با دربار صفویه، مشوقی جدی‌تر برای صفویه شد تا در راستای فعال‌شدن ارتباطی مراسلاتی، جدیت بیشتری از خود بروز دهند.

وجود دو دشمن نیرومند در مرزهای غربی و شرقی کشور از دیگر علل مهمی بود که صفویان را ترغیب نمود بخشی از فشارهای سیاسی-نظامی و حتی مذهبی این قدرت‌ها، یعنی عثمانی‌ها و ازبکان، را با اتکا بر راه‌کارهای دیپلماتیک کم‌اثر یا خنثی نمایند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از الگوی مکاتباتی به عنوان یک نیاز و ضرورت در این دوره مطرح گردید و صفویان در موقعیت‌هایی برای ایجاد تعامل و در زمان‌هایی به منظور رسیدن به اهداف تقابلی خود، به موضوع نامه‌نگاری روی می‌آوردند و از ظرفیت‌هایی که در این زمینه پدید می‌آمد، بهره‌ی لازم را می‌بردند. هر چند برخی از آثاری که در این زمینه باقی مانده است، نشان می‌دهد که رفتار و عمل کرد صفویه بعضاً در این خصوص جنبه‌ی واکنشی داشته و نامه‌نگاری آن‌ها عکس‌العملی به نوشته‌های طرف مقابل بوده است؛ با این حال، تعداد نامه‌های ارسالی و حجم آن‌ها نشان می‌دهد که نگاه شاهان صفویه به این موضوع راه‌بردی و کاربردی بوده است. انبوهی این مراسلات، علی‌الخصوص در نیمه‌ی اول حکومت صفویه که دوران شکل‌گیری، تثبیت و تداوم را سپری می‌کردند، بیش‌تر به چشم می‌خورد. در کنار جنبه‌های کاربردی نامه‌ها، می‌توان گونه‌ای از موضوعیت‌های متنوع را در این نوشتارها ملاحظه کرد که براساس موضوع و ماهیت، ساختار و سبک آن دارای تمایز و تفاوت است. شاید از یک منظر بتوان مکاتبات را در سه قالب به صورت زیر، قرار داد:

**الف. نامه‌های صلح‌جویانه:** تعدادی از نامه‌ها ماهیتی صلح‌آمیز و تعامل‌گونه داشته‌اند؛ چه نامه‌هایی که صفویان در پاسخ به نوشته‌ی طرف مقابل تنظیم کرده‌اند، و چه نامه‌هایی که خود آن‌ها برای مقاصد صلح‌جویانه شروع کننده بوده‌اند. ویژگی عمده‌ی این نامه‌ها تن‌دادن به



الگوهای عرفی دیپلماتیک همان زمان است. آنچه بیش‌تر در این نوشته‌ها مشهود است، به کارگیری القاب و عناوین بی‌شمار برای سلطان یا حاکمی است که نامه برای او تنظیم شده است.<sup>۱</sup> توصیف ویژگی‌های صلح جویانه‌ی شاه و تلاش او برای جلوگیری از اتلاف و پریشانی زندگی مردم و ممانعت از تخریب خانه‌ها و مزارع آن‌ها، همچنین بیان روایات و گفتارهای دینی در کنار پند و اندرزهای اخلاقی و یادآوری ویژگی‌های چهره‌های اخلاقی تاریخی، در این نامه‌ها جنبه‌ی کاربردی می‌یافت. پرهیز از درج و بیان نکات و مطالبی که ممکن بود از جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی و مذهبی، محرک طرف مقابل شود و اوضاع را به آشفتگی بکشاند، از ویژگی‌های بارز این نامه‌ها بود.

اما در پیش‌گرفتن این شیوه‌ی نوشتاری همیشه قرین توفیق نبود و نمی‌توانست نتایج موردنظر را فراهم سازد و بعضاً طرف مقابل را به سوی تعامل سوق نمی‌داد و برعکس به واکنش جدی‌تر نظامی می‌کشاند. این اتفاق زمانی رخ می‌داد که متن نامه‌ها به منظور پیش‌برد طرح‌های صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز از پشتوانه‌ی سیاسی - نظامی مناسبی برخوردار نبود و دقایق و نکات مطرح شده در متن نامه‌ها به وضوح ضعف و ناتوانی را در شکل و ماهیت این نامه‌ها نشان می‌داد. تمجید و ستایش بیش از حد از طرف مقابل، در کنار ارائه‌ی پیام‌های ضعیف و خالی از مکمل‌های خطرآفرین برای طرف دیگر، در صورت عدم توجه به معیارهای مسالمت‌جویانه، عملاً کارکرد نامه‌ی ارسالی را، نه‌تنها بی‌اثر می‌کرد، بلکه نتایج عکس خود را نیز بروز می‌داد. شاید بارزترین نمونه‌ی این‌گونه نامه‌نگاری را بتوان در متن‌های ارسالی سلطان محمد خدابنده به سلطان مراد عثمانی دریافت که دو نامه‌ی مفصل ارسالی به‌خوبی موضع ضعیف دربار ایران را برای عثمانی‌ها آشکار نمود و آن‌ها را در هجوم به ایران جسورتر نمود.<sup>۲</sup>

ب. مکاتبات زمان جنگ: ماهیت نظامی بخش عمده‌ای از دوره‌ی اول حکومت صفویه، خود بیان‌گر این نکته است که تعداد زیادی از نامه‌های ارسالی از این ماهیت تبعیت نمایند و ناگزیر چارچوب‌ها و الگوهای آن‌ها نیز متأثر از رویکردهای پرسروصدا و بعضاً خشن باشد. این نمونه‌ها در برخورد با عثمانی‌ها و ازبکان به خوبی دست‌یافتنی است. سبک عمومی آن‌ها شباهت زیادی با همدیگر دارد و با اندک تفاوت‌هایی بیش‌تر با هدف تهدیدی و تخریبی تنظیم شده‌اند. به‌رخ‌کشیدن حقانیت، اقتدار و توانمندی سیاسی خویشان در کنار تضعیف و تخفیف

۱ نوایی، شاه تهماسب، ص ۳۳۳.

۲ نوایی (۱۳۶۶)، شاه عباس (اسناد و مکاتبات تاریخی)، ج ۱، تهران: انتشارات زرین، چ ۲، صص ۲۹-۶۳.

تمامی داشته‌های طرف مقابل، رویکرد کلی این نامه‌هاست. چنین به نظر می‌رسد، هدف این نامه‌نگاری گونه‌ای از هم‌آوردطلبی و جدال مجازی در عرصه‌ی گفت‌وگو و نگارش است. این رویه به خوبی در نامه‌ها مشهود است.

پایس‌نکشیدن در اغراق و زیاده‌گویی در خصوص داشته‌های خود و ناتوان جلوه دادن طرف مقابل، حتی در مواردی که نمونه‌های عینی تاریخی به گونه‌ی دیگری بود، در فحوای این نامه‌ها به چشم می‌خورد. شاه اسماعیل در نامه‌ای که برای شیبک‌خان فرستاد، به منظور نشان دادن ابهت و چشم انداز توان‌مندی خود، ابایی نداشت که به خان ازبک یادآور شود، سپاهیان دوازده هزار نفری او توانستند نیروی سی‌صدهزار نفری علاءالدوله ذوالقدر را شکست دهند و تنها سی‌وپنج هزار نفر از آن‌ها را زنده بگذارند.<sup>۱</sup> اوج این گونه از نامه‌نگاری را می‌توان در نوشتار مفصل شاه‌تهماسب به سلطان سلیمان عثمانی یافت که به‌رغم تمامی داشته‌های نظامی و برتری عددی و تسلیحاتی سلطان عثمانی، شاه‌تهماسب در عرصه‌ی قلم میدان را به حریف واگذر نکرد و همانند الگوی نظامی جنگ و گریزی که در برابر عثمانی‌ها انجام می‌داد و آنان را با ناکامی‌های جدی مواجه نمود، در این عرصه نیز بر روحیه‌ی حریف نقش مخربی بر جای گذاشت.<sup>۲</sup>

مکاتبات عیدیه‌ی شاه عباس با عبدالمؤمن‌خان ازبک نیز نمونه‌ی دیگری از رویارویی قلمی دوحریف را به رخ می‌کشد که سبک نوشتاری شاه‌عباس در این زمینه، ضمن پرهیز از عبور از مرزهای اخلاق دیپلماتیک و ابراز علاقه به ایجاد مصالحه، توان و اقتدار نظامی خود را به رخ ازبکان کشید که همین شیوه تأثیر بسزایی بر ازبکان باقی گذاشت، به گونه‌ای که عبدالمؤمن-خان هرگز به تقابل مستقیم با شاه عباس تن در نداد.<sup>۳</sup>

**ج. نامه‌های مناسباتی و مناسبتی:** شکل سومی از نامه‌نگاری نیز در این دوره به چشم می‌خورد که از لحاظ تعداد، بخش قابل توجهی از آن‌ها را به خود اختصاص داده است. این نامه‌ها بیش‌تر ماهیتی مسالمت‌آمیز و دوستانه را دنبال می‌کنند و به نظر می‌رسد در پیشینه‌ی آن‌ها جلوه‌های خصمانه، یا وجود نداشته است، و یا این‌که اگر نگرش‌های خصمانه‌ای در مناسبات وجود داشته، به گونه‌ای نبوده است که بر کل مناسبات دوستانه سایه بیفکند. لحن و سبک این

۱ عبدالحسین نوایی (۱۳۴۷)، شاه اسماعیل (اسناد و مکاتبات تاریخی)، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۷۲.

۲ نوایی، شاه‌تهماسب، صص ۲۰۳-۲۳۷.

۳ افوشته‌ای نطنزی، همان، صص ۴۲۰ و ۴۲۸ و ۴۳۳.

مکاتبات مبتنی بر جلب نظر طرف مقابل برای حفظ مناسبات و مراودات تجاری و جلوگیری از هم‌پیمانی با دشمن و احتمالاً جلب نظر برای ایجاد نوعی پیوند سیاسی یا نظامی هم بوده است. نامه‌هایی که صفویان برای اروپاییان و شاهان هند می‌نوشتند، از این ویژگی تبعیت می‌کردند.<sup>۱</sup> البته، کم نیستند نامه‌هایی که برای تداوم مناسبات در موقعیت‌های مناسبتی نوشته شده‌اند، یعنی برای تعزیت مرگ سلاطین و یا به قدرت رسیدن شاه جدید به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند و درون‌مایه‌ی آن‌ها بیشتر برای ارائه‌ی رویکرد دوستانه و ابراز تمایل به منظور برقرارنمودن مناسبات بوده است.<sup>۲</sup>

## گونه‌شناسی موضوعات مذهبی در مراسلات

### الف. لزوم کاربرد الگوی مذهبی در نامه‌ها

یکی از جلوه‌های بارزی که در مراسلات این دوره به چشم می‌خورد، تلاش برای ارائه‌ی باورها و معتقدات مذهبی است. به لحاظ پیوندی که بین قدرت سیاسی و معتقدات مذهبی در این دوره پدید آمد و در حقیقت مذهب و سیاست در ساختار حکومت صفویه درهم آمیخت، و از طرف دیگر این الگوی سیاسی- مذهبی در چارچوب جغرافیایی ایران از سابقه‌ای جدی برخوردار نبود، لاجرم صفویه برای دفاع از موجودیت سیاسی و مذهبی خود، از تمام الگوهای موجود بهره جستند. یکی از محورهایی که بیان باورها در آن الزامی به نظر می‌رسید، نامه‌ها و مراسلات برون مرزی بود. کاربرد و تأکید بر معیارهای مشخص مذهبی، از آن روی اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند که در یابیم تقریباً تمامی عناصر طرف مکاتبه‌ی ایران دارای اعتقادات مذهبی متمایز از صفویان بودند. به همین دلیل، صفویان در کنار اعلام موجودیت سیاسی، به‌صورت هم‌زمان موجودیت مذهبی خود را نیز بیان می‌کردند و از زوایای گوناگون از عناصر پایه‌ای شیعه دفاع می‌نمودند.

این شیوه تقریباً در تمامی اشکال نامه‌ها مشهود و شایان توجه بود. یعنی، چه در مکاتبات صلح‌آمیز یا در مراسلات زمان جنگ، به شکل آشکاری رویکردهای مذهبی آنان منعکس می‌شد. با این حال، شکل و حجم اتکا بر شعائر مذهبی در این نامه‌ها یکسان نبود. هم از نظر

۱ نوایی، شاه عباس، ج ۳، ص ۲۹۵ به بعد.

۲ نوایی، شاه تهماسب، ص ۴۶۰.

موضوعیت، وهم از لحاظ حجم، تفاوت‌هایی در این مکتوبات به چشم می‌خورد. در مواقعی تنها به صورت توصیفی و تمجیدی مطرح می‌شد و به دنبال ستایش از پروردگار و پیامبر اسلام، بخش قابل توجهی نیز به بیان مناقب ائمه‌ی اطهار اختصاص می‌یافت.<sup>۱</sup> موارد دیگری نیز به چشم می‌خورد که از این مرحله عبور می‌نمود، و جنبه‌ی استنادی و اقناعی پیدا می‌کرد. در حقیقت، این گونه موارد تلاشی برای ارائه‌ی مستندات و مستدللات موردنظر به منظور بیان حقانیت و اصالت مذهب شیعه بود.<sup>۲</sup>

گونه‌ی دیگری از کاربرد شعائر مذهبی در این نوشته‌ها دست‌یافتنی است که ظاهراً می‌توان جنبه‌ی تبلیغی برای آن ملحوظ نمود. یعنی، بیان مکرر نام ائمه برای نشان دادن جایگاه و موقعیت آن‌ها در نزد صفویان بسیار حائز اهمیت بود. این ویژگی علی‌الخصوص در مواقعی که شاهان صفوی در پی توصیف پیروزی‌ها و کامیابی‌های خود در عرصه‌ی جنگ بودند، بیشتر به چشم می‌خورد. در حقیقت، آن‌ها این توفیقات را به ائمه نسبت می‌دادند و یاری گرفتن از آن‌ها را عاملی اساسی و مهم در عرصه‌های مختلف تلقی می‌کردند.<sup>۳</sup> علاوه بر این، مواردی هم به چشم می‌خورد که برای تأکید یا قسم خوردن، از نام امامان استفاده می‌شد.

### ب. گونه‌شناسی موضوعی

در ملاحظه و بررسی متن نامه‌های این دوره، می‌توان از لحاظ موضوعی مطالب مذهبی ارائه شده را در چندین قالب خاص تشخیص داد که هر کدام از موارد کاربردی، دارای پیشینه و جایگاه ویژه‌ای در علوم دینی و ادبی هستند و هر گروه از این موضوع‌ها در جایگاه خود، از نظر استنادی، استدلالی و توصیفی، بخشی از ویژگی‌های شیعه را مرور می‌کند. در ادامه، بر مبنای میزان کاربرد هر کدام از این گونه‌ها، به بررسی میزان توجه و اصالت و اعتبار آن‌ها از نگاه شیعه خواهیم پرداخت.

### ۱. آیات و تناسب کاربردی آن‌ها

یکی از الگوهای پر کاربرد در نامه‌ها که اصالت رویکردهای مذهبی صفویان را نشان می‌دهد،

۱ نوایی، شاه عباس، ج ۳، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۲ همان، ج ۲، صص ۱۹۴-۲۰۸.

۳ همان، شاه تهماسب، ص ۲۰۴.

اتکا بر آیات متعدد و متنوع قرآنی و استفاده از آنها است که ظاهراً بیش‌تر این آیات مستندات مهمی از گفتارهای وحیانی برای حقانیت خواسته‌ها و گفته‌های شیعه است. برخی از این آیات، جنبه‌هایی از پیوستگی و اصالت خط امامت به پیامبر<sup>(ص)</sup> را نشان می‌دهند. تعداد دیگری، جانشینی امام علی<sup>(ع)</sup> را پس از پیامبر موردنظر دارند، و گروه دیگری از آیات، ویژگی‌ها و خصلت‌های امام علی<sup>(ع)</sup> را مورد توجه قرار داده‌اند. با توجه به این که طرف خطاب مراسلات صفویان بیش‌تر اهل سنت بودند، به نظر می‌رسد نوع انتخاب آیات توسط صفویان برای درج در نامه‌ها به گونه‌ای بوده است که علاوه بر وضوحی که نسبت به خط امامت دارند، در میان اهل سنت نیز با همین رویکردها و یا نزدیک به این وجوه مورد تعبیر قرار گرفته باشند. در بین آیات پرکاربرد در مراسلات، آیه ۶۷ سوره‌ی شریفه‌ی مائده است: (بَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...). در تعداد قابل توجهی از نامه‌های ارسالی با هدف نشان دادن حقانیت و اصالت امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup>، این آیه مورد استناد قرار گرفته است. براساس تفاسیر موجود شیعه، این آیه به منظور ابلاغ جانشینی حضرت علی<sup>(ع)</sup> نازل شده است.<sup>۱</sup>

برخی از تفاسیر شیعه، در کنار اظهار استنادات و استدلال‌های خود در خصوص این آیه، دیدگاه برخی از مفسران اهل سنت را نیز، مبنی بر شأن نزول این آیه در حق حضرت علی<sup>(ع)</sup>، توضیح داده‌اند. در یکی از این تفاسیر آمده است: «... نزد بعضی از اعظام اهل سنت و اجماع اهل‌البیت این آیه در غدیر خم نازل شد... از جمله علی بن احمد واحدی که یکی از افاضل و مشاهیر اهل سنت است در تفسیر خود که موسومست به اسباب‌النزول آورده که این آیه در حق علی<sup>(ع)</sup> در غدیر خم نزول یافته است».<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد شاهان صفویه در مواقعی که به‌صورت مستقیم در پی جدال کلامی با طرف مقابل بودند، و یا در هنگامی که در پاسخ‌گویی به نامه‌های دشمنان، بنیان‌های اعتقادی خود را در معرض تهدید و تخریب می‌دیدند، با اتکا بر این گونه آیات که بیان‌کننده‌ی شأن امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup> بود، به آنها پاسخ می‌گفتند. در مواقعی نیز یادآور این نکته بودند که چنین آیاتی نه تنها مورد پذیرش و قبول شیعه است، بلکه برخی از زعمای مذهبی اهل سنت نیز

۱ شیخ ابوعلی طبرسی (۱۳۵۰)، ترجمه‌ی تفسیرمجمع‌البیان، ترجمه‌ی سید ابراهیم میرباقری و احمد بهشتی، ج ۷، تهران: نشر فراهانی، ص ۱۱۶؛ ابوالحسن حسین جرجانی (۱۳۳۷)، تفسیرگازر، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۰۲.  
 ۲ ملا فتح‌الله کاشانی (۱۳۴۴)، تفسیر منهج‌الصادقین، ج ۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ج ۲، ص ۲۷۳ و نیز ر. ک: حاکم ابوالقاسم حسکانی (۱۲۸۱)، سیما‌ی امام علی<sup>(ع)</sup> در قرآن، ترجمه‌ی یعقوب جعفری، تهران: انتشارات اسوه، صص ۱۰۵-۱۱۰.

با همین رویکرد، چنین آیاتی را مورد تفسیر قرار داده‌اند.<sup>۱</sup> یکی دیگر از آیات پرکاربرد در متن مکاتبات این دوره که به‌منظور نشان دادن اصالت امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup> مورد استناد قرار می‌گرفت، آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائده است. این آیه نیز در تفاسیر مختلف، یکی از مبانی استنادی شیعه برای امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup> اعلام شده است. البته، متن این تفاسیر خالی از ذکر استنادات برخی از اهل سنت در هم‌نوایی با تفاسیر شیعه نیست: «... و بدان که جمهور مفسران از علمای شیعه و اهل سنت برآنند که آیه در شأن علی ابن ابی طالب نزول یافته و شیعه ازین استدلال کرده اند بر آن که امامت حق شاه اولیا و خلافت منصب مرتضی علی<sup>(ع)</sup> است».<sup>۲</sup> در تفاسیر دیگر نیز این رویکرد مورد توجه بوده است: «... این آیه کریمه به اتفاق فئه ناجیه امامیه و به زعم کثیری از اهل سنت در شأن عالی شأن حضرت امیر المومنین<sup>(ع)</sup> ... نازل شده است».<sup>۳</sup> یکی از علمای اهل سنت در سده‌ی پنجم هجری قمری نیز با ارائه‌ی بیست سند، نزول این آیه را در شأن امام علی<sup>(ع)</sup> دانسته است.<sup>۴</sup>

در کنار آیاتی که نصّ صریحی بر امامت امامان شیعی بود و بخشی از مستندات صفویان را در مراسلات تشکیل می‌داد، تعداد دیگری از آیات نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت که توصیف‌گر نسبت و قرابت ائمه‌ی اطهار و رسول خدا بود. این آیات بیش‌تر در راستای احتجاج برای نوع نسبت سایر خلفا با پیامبر<sup>(ص)</sup> در مقایسه با ائمه<sup>(ع)</sup> به کار گرفته می‌شد. این بیان، ضمن آن‌که روشن‌گر خط امامت محسوب می‌شد، به شکل آشکار قرابت شیعه به پیامبر را با اهل سنت مقایسه می‌کرد. در حقیقت، این آیات جنبه‌های منزلتی ائمه را مطرح می‌نمود و در همین راستا، در جدال‌ها یا تعاملات قلمی مورد استفاده‌ی صفویه قرار می‌گرفت. آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب در این زمینه از کاربرد فزاینده‌ای برخوردار بود. به تصریح اهل تفسیر، این آیه در شأن ائمه نازل شده است که بعضاً نظرات موافق مفسران اهل سنت را نیز در این خصوص نقل نموده‌اند. از جمله آورده‌اند: «... در احادیث خاصه و عامه وارد شده که آیه شریفه در حق خمسه طیبه نازل شده است».<sup>۵</sup> در تفاسیر دیگر نیز ضمن بیان مستندات تطبیقی این آیه با

۱ نوایی، شاه تهماسب، ص ۲۱۹.

۲ کاشانی، همان، ج ۳، ص ۲۵۵.

۳ بهاء‌الدین محمد لاهیجی (۱۳۶۳)، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، تهران: مؤسسه‌ی مطبوعاتی علمی، ص ۶۶۹؛ سیدمحمدحسین-همدانی (۱۳۸۰ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۴، تهران: کتابفروشی لطفی، ص ۳۵۵.

۴ حسکائی، همان، صص ۹۱-۱۰۲.

۵ حسین‌بن‌علی خزاعی نیشابوری (۱۳۷۴)، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۴۴۱.

ویژگی‌های ائمه، به نقلیات اهل سنت نیز ارجاع داده‌اند.<sup>۱</sup>

آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی شورا نیز در شأن و منزلت ائمه، در تعداد دیگری از نامه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این آیه بیش‌تر در مواقعی مورد استناد بوده است که شاهان صفویه در پی بیان قرابت و دوستی خود با اهل بیت بوده‌اند و از این مسیر در نظر داشته‌اند که حقانیت مذهبی خود را به رخ طرف مقابل بکشانند. در یکی از مکاتبات شاه تهماسب با سلطان سلیمان، به منظور نشان دادن این نکته که در تقابل با سلطان عثمانی از حمایت‌های معنوی ائمه برخوردار بوده و به واسطه‌ی دوستی با خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup> از رویارویی با او هیچ ترس و واهمه‌ای نداشته است، می‌نویسد: «... بدان که ما دست اعتصام در اذیال مهر مصطفی و مرتضی و عترت طیبین ایشان زده به صفت ایمان آراسته‌ایم معرفة الله و معرفة الرسول و معرفة الامام به واجبی تتبع نموده ... و کمر محبت و مودت آل عبا و ائمه هدی به حکم آیه وافی هدایة قُلْ لَّا اَسْئَلُكُمْ... (شورا ۲۳) بر میان جان بسته و از اعدای ایشان ... تبرا نموده ایم...»<sup>۲</sup> بر مبنای نگرش تفاسیر، این آیه نیز حاکی از موقعیت و منزلت ائمه‌ی اطهار است که خداوند دوستی و مودت آن‌ها را سفارش کرده است. در یکی از تفاسیر به نقل از احمد بن حنبل چنین آمده است: «... زمان نزول این آیه از حضرت رسول پرسیدند که... اقارب تو که حق سبحانه مودت ایشان را بر ما فرض گردانیده است چه کسانیند؟ فرمود که علی بن ابیطالب فاطمه و حسن و حسین<sup>(ع)</sup>»<sup>۳</sup>.

در بازبینی و بررسی آیات کاربردی در متن مراسلات، به خوبی مشهود می‌شود که استفاده از این آیات مبتنی بر شأن نزول و موقعیت، در قالب‌های خاص، نظیر تبیین امامت و ولایت ائمه و یا توصیف شأن و منزلت آن‌ها، همچنین نوع نسبت با حضرت رسول<sup>(ص)</sup>، به صورت دقیق و با کارشناسی لازم صورت گرفته است. در حقیقت، جلوه‌ی آشکار نامه‌ها نشان می‌دهد که تدوین‌کنندگان نامه‌ها با اتکا بر پیشینه‌ی تفسیری این آیات، آن‌ها را در موقعیت مقتضی و مبتنی بر شأن نزول دقیق برای رویارویی کلامی و استنادی با دشمن، مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند. البته، آیات دیگری نیز به عنوان مستندات، چه در نامه‌های دوستانه و یا در مواردی که چشم‌اندازهای خصمانه بر دو طرف حاکم بود، به کار گرفته شده‌اند که به فراوانی و تکرار آیات پیش گفته نیست، اما آن دسته از آیات نیز در جایگاه خود در مقام تبیین و توصیف مقام

۱ طبرسی، همان، ج ۲۰، ص ۱۰۸؛ کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی (۱۳۱۷)، تفسیر موهب علیه، ج ۳، تهران: کتابفروشی اقبال، ص ۴۷۷.

۲ نوایی، شاه تهماسب، صص ۲۰۸ و ۲۲۰.

۳ کاشانی، منهج الصادقین، ج ۵، ص ۲۰۵؛ طبرسی، همان، ج ۲۲، ص ۱۲۷.

ولایتی و هدایتی ائمه‌ی اطهار مورد اتفاق و استناد بوده‌اند.

## ۲. شیوه و نوع کاربرد روایات

در کنار بیان مستندات قرآنی در حقانیت ائمه‌ی اطهار و شأن و منزلت آن‌ها در نزد پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، گونه‌ی دیگری از مستندات روایی نیز در متن مراسلات با فراوانی و تکرار بیش‌تر به چشم می‌خورد. این شواهد روایی نیز، همانند آیات کاربردی هم در تبیین مقام امامت، و هم در توصیف شأن و منزلت ائمه آمده‌اند. به نظر می‌رسد در به کارگیری این روایات نیز همچنان تمرکز بر احادیثی است که از اصالت، دقت و اجماع بیش‌تری برخوردار بوده‌اند. هرچند روایات در اکثر مراسلات مورد استفاده قرار می‌گرفتند. اما به نظر می‌رسد، در نامه‌هایی که جنبه‌ی پاسخ‌گویی به ادعاها و تهدیدات دشمن را داشتند، و یا نامه‌هایی که به صورت مستقیم و با جنبه‌ی تهدیدی برای دشمن ارسال می‌شدند، آیات، روایات و استدلال‌های کلامی از کاربرد بیش‌تری برخوردار بودند. بلافاصله پس از آیات مستند، روایات متعدد نیز در این زمینه، متناسب با موضوعیت نامه، در متن به صورت استنادی یا توصیفی درج می‌شد. در بین روایاتی که با موضوع حقانیت امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup> بیش‌ترین کاربرد را در نامه‌ها داشت، روایت مشهور مربوط به غدیرخم است: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». گرچه این روایت به صورت مرسوم در نامه‌ها برای نشان دادن جانشینی امام علی<sup>(ع)</sup>، به کار برده می‌شد، اما جایگاه کاربردی آن بیش‌تر مربوط به زمانی بود که از طرف عثمانی‌ها یا از بکان، بحث ارجحیت خلفا بر امام مورد یادآوری و تأکید قرار می‌گرفت و لاجرم در پاسخ‌گویی، هم‌راه با آیات مستندی که ذکر می‌شد، این روایات از چشم‌انداز جانشینی و حقانیت امام، به صورت تکرار، حتی در یک نامه در طی چندین مرحله دفاع می‌کرد.

در نامه‌های شاه تهماسب به سلطان سلیمان، که جنبه‌ی احتجاجی پیدا کرده بود، از جمله مواردی محسوب می‌گردید که شاه در پاسخ‌گویی به سلطان عثمانی، که اولویت خلافت را مربوط به سه خلیفه‌ی اول و دوم و سوم دانسته بود، در چندین نوبت او را به موقعیت غدیر خم و این روایت پیامبر ارجاع داد: «... و حضرت رسالت در روز عید غدیرخم بعد از مراجعت از حج وداع به اصحاب فرمودند: الست اولی بکم من انفسکم قالوا بلی قال من کنت مولاه فعلی مولاه...»<sup>۱</sup> شاه عباس نیز در مراسلات متعدد خود با عبدالؤمن خان از بک، از این

۱ نوایی، شاه تهماسب، صص ۴۲ و ۲۲۰ و ۴۶۱.



روایت مکرر بهره جسته است.<sup>۱</sup> بر مبنای کتاب‌های اصیل شیعه، این حدیث در خصوص حضرت علی<sup>(ع)</sup> و در موقعیت غدیر خم نازل شده است. بر همین اساس، تنظیم‌کنندگان نامه‌های این دوره به خوبی بر اصالت این روایت آگاهی داشتند و آن را به صورت مستند به کار می‌گرفتند.<sup>۲</sup>

چنین به نظر می‌رسد که در بررسی متن نامه‌ها، میزان کاربرد روایات منزلی در خصوص امام علی<sup>(ع)</sup> از فراوانی بیش‌تری برخوردار بوده است. هرچند این روایات نیز به نوعی بیان‌گر حقانیت امام برای حاکمیت جامعه‌ی اسلامی بوده است، با این حال، ظاهراً نوع بهره‌مندی از آن‌ها در نامه‌ها برای آشکار ساختن میزان قرابت امام با پیامبر اسلام بوده است، دو روایت مشهور در نگاه تنظیم‌کنندگان مراسلات، از ارجحیت بیش‌تری بهره‌مند بوده است: اول، روایت: «انا مدینه العلم و علی بابها»؛<sup>۳</sup> و دیگر، «انت منی به منزلة...»<sup>۴</sup> که تهماسب در استنادات خود برای سلطان سلیمان، پس از ذکر این دو روایت، آورده است: «...و جمیع اهل طوایف بر صحت این احادیث اجماع نموده‌اند».<sup>۵</sup>

در کنار این روایات پر کاربرد و مستند، برخی احادیث نیز به صورت پراکنده در این نامه‌ها مورد استشهاد قرار گرفته است؛ از آن جمله می‌توان به روایت ثقلین اشاره نمود که از احادیث متقن و پر کاربرد شیعه محسوب می‌شود،<sup>۶</sup> روایت مذکور برای نشان دادن جانشینی امام وائمه‌ی اطهار در نامه‌ها به صورت پراکنده مورد استفاده قرار می‌گرفت. جایگاه استفاده از این روایت نیز بیش‌تر برای تأکید بر حقانیت خلافت علی<sup>(ع)</sup> بوده است.<sup>۷</sup>

### ۳. الگوی تبیین ویژگی‌های ائمه

یکی از ارکان ثابت در نامه‌های ارسالی، تأکید بر جایگاه و موقعیت حضرت علی<sup>(ع)</sup> در مناسبات وی با پیامبر<sup>(ص)</sup> بود. در کنار التزام به تأکید بر شأن و منزلت امام علی<sup>(ع)</sup>، بر مبنای آیات و روایات،

۱ نوایی، شاه عباس، ج ۳، ص ۸۲.

۲ محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۶۷ق)، اصول کافی، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۱۲۹؛ علی بن بابویه (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، قم: جامعه‌ی مدرسین، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳ شیخ حر عاملی (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، ج ۲۷، قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت، ص ۷۶؛ شیخ جعفر کاشف الغطاء (تا)، کشف الغطاء، ج ۱، اصفهان: انتشارات مهدوی، ص ۱۱.

۴ احمد بن یحیی بلادری (۱۳۹۴ق)، انساب الاشراف، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه‌ی الاعلمی، ص ۱۰۶؛ و شهاب‌الدین بن ابی‌الفضل بن حجر عسقلانی (۱۳۹۰)، لسان‌المیزان، ج ۲، مؤسسه‌ی الاعلمی، بیروت: ج ۲، ص ۳۱۳.

۵ همان، ص ۲۱۹؛ نوایی، شاه عباس، ج ۳، ص ۱۸۷ و ۲۱۲ و ۲۱۸.

۶ محمد بن محمد حاکم نیشابوری (۱۴۰۶ق)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، بیروت: دارالمعرفه، ص ۱۰۹.

۷ نوایی، شاه اسماعیل، ص ۴۸؛ نوایی، شاه عباس، ج ۳، ص ۲۱۷ و ۲۲۴؛ همان، شاه تهماسب، ص ۲۲۰ - ۲۲۴.

بخشی از ادبیات نظم و نثر در نامه‌ها نیز به تجلیل، تکریم و ذکر مناقب امام علی<sup>(ع)</sup> اختصاص داشت. تشریح ویژگی‌های امام مختص به نامه‌های خاصی نبود. به نظر می‌رسد، بر پایه‌ی راهبرد مذهبی صفویان، که بر وابستگی به تشیع تأکید داشتند و در عین حال پای‌بند به اشاعه و تبلیغ الگوهای مذهبی شیعه بودند، چه در مکاتبات زمان خصومت و جنگ، و چه در زمان صلح و گفت‌وگوهای مربوط به عقد قراردادهای مصالحه، بیان خصلت‌های امام در قالب نظم و نثر قاعده‌ای رایج بود.

در کنار توصیف رایج و متداولی که در خصوص امام علی<sup>(ع)</sup> به کار گرفته می‌شد، درباره‌ی ائمه‌ی اطهار<sup>(ع)</sup> نیز به شکل کلی و نه انفرادی، به ذکر خصلت‌ها بسنده می‌کردند. اما به نظر می‌رسد عمده‌ی ویژگی‌هایی که در این نامه‌ها مورد تأکید و تبلیغ قرار می‌گرفت، مبتنی بر رویکردهای مختلفی، مانند احتجاجات عقلی و کلامی امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup>، خلقیات و پیوندهای آن حضرت به رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> و توصیف شأن و منزلت ائمه‌ی اطهار بود که بعضاً بخش عمده‌ای از مطالب نامه‌ها را به خود اختصاص می‌داد. به نظر می‌رسد غلبه‌ی فضای خصمانه‌ی بین طرفین، عامل مهمی بود که باعث می‌شد محتوای این نامه‌ها جدی‌تر و شکلی استدلالی و بعضاً پرخاش‌جویانه به خود بگیرد. دوره‌ی طولانی جنگ‌های بیست ساله‌ی شاه تهماسب با عثمانی‌ها، از جمله موقعیت‌هایی فراهم نمود که چندین نامه‌ی مفصل با رویکردی توجیهی در زمینه‌ی باورهای مذهبی، بین طرفین مبادله شود. به نظر می‌رسد، طولانی‌ترین نامه - ی ارسالی در دوره‌ی صفویه مکتوبی باشد که شاه تهماسب در پاسخ به اتهامات سیاسی و مذهبی سلطان سلیمان تدوین نمود. این نامه مشحون از مستندات و شواهد سیاسی و مذهبی است که استحکام و ریشه‌دار بودن عمل‌کرد سیاسی و باورهای مذهبی صفویان را به رخ سلطان عثمانی بکشانند. هرچند در بخش‌هایی، به لحاظ این که نامه‌های سلطان عثمانی تهدیدآمیز و گستاخانه بود، ادبیات نامه‌ی شاه تهماسب نیز تا حدودی از آداب عرف دیپلماتیک فاصله گرفته است. اما با این حال، مستندات ارائه شده براساس واقعیات مستند و تاریخی است. از آن جمله، سلطان سلیمان در بخشی از نوشته‌ی خود در خصوص اجماع امت بر خلافت ابوبکر توضیح داده است، شاه تهماسب این ادعا را غیر واقعی می‌داند: «... چرا اهل یک شهر بلکه یک محله با وی اتفاق نکرده‌اند و اگر اعتقاد کرده که اجماع خواص امت شده به اتفاق جمع اهل اسلام علی‌بن‌ابیطالب و امام حسن<sup>(ع)</sup>، امام حسین<sup>(ع)</sup> و... و عباس و عبدالله‌بن‌عباس، طلحه و زبیر و... با وی مخالفت کرده و بیعت نکردند... و در جمیع کتب

شما مسطور است و اتفاق امت و جمیع عالمیان و اسلامیان و بزرگان است که اهل بیت و اکابر صحابه و خواص امت این جماعت بوده‌اند»<sup>۱</sup>.

در مکاتبه‌ی دیگری که بین عیدالله‌خان ازبک و شاه تهماسب رد و بدل شد و خان ازبک ارجحیت خلفا را مطرح کرده بود، شاه تهماسب در استدلال برحقانیت امام و عمل کرد نادرست خلفا در برابر خاندان پیامبر، موارد متعددی را بر می‌شمارد که به صورت بارز در مذمت عمل آن‌ها، ماجرای فدک و مخالفت ابوبکر با واگذاری آن به حضرت زهرا<sup>(س)</sup> و همچنین پاره کردن سند فدک توسط عمر و منع خمس از اهل بیت را مورد استناد قرار داده است. علاوه بر این، سوزاندن قرآن و آزار و اذیت یاران رسول خدا توسط عثمان را شاهد مثال می‌آورد.<sup>۲</sup> سپس یادآور می‌شود که این‌گونه خلفا چگونه می‌توانستند بر امام علی<sup>(ع)</sup> ارجحیت داشته باشند. علی‌الخصوص زمان ارتحال پیامبر را یادآور می‌شود که آن حضرت قلم و کاغذ را طلب نمود اما عمر مانع آمد.<sup>۳</sup>

در کنار مکاتبات مستقیم سلطنتی که بین ایران با عثمانی و ازبکان ردوبدل می‌شد، برخی مکاتبات دیگر نیز وجود دارد که جنبه‌ی جدلی و کلامی دارند. هرچند تعداد زیادی از این نامه‌ها در دست نیست، اما وجود اندک این نوشته‌ها نشان‌گر آن است که به عنوان یک رسم به منظور اظهار حقانیت و حمایت از اصول مذهبی، این روش نیز کاربرد داشته است. شاید یکی از بارزترین این مکاتبات نامه‌نگاری تعدادی از علمای ماوراءالنهر به علمای مشهد در دوره‌ی شاه عباس باشد. آن‌ها در این نامه به دفاع از موقعیت خلفای اهل سنت برآمده‌اند. شاید بارزترین مسئله که در این نامه به چشم می‌خورد، این نکته باشد که: «... شجاعت و اهتمام امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> در اعلای حق از آن مشهورتر است که بر کسی پوشیده ماند و آن جناب در زمان متابعت و مباحثه خلق با ایشان (خلفای سه گانه) بوده خود نیز متابعت و مباحثه نموده...»<sup>۴</sup> در پاسخ ملا محمد مشکک از علمای شیعه‌ی مشهد، ضمن بیان مستندات در رد خلافت خلفای سه گانه بر اساس برخی نقل‌های کتاب‌های اهل سنت، به صورت مشروح پاسخ بیعت امام با ابوبکر و دلایل آن را توضیح داده است.<sup>۵</sup>

۱ نوایی، شاه تهماسب، ص ۲۱۷.

۲ همان، ص ۴۳.

۳ همان، ص ۴۴.

۴ نوایی، شاه عباس، ج ۱، ص ۱۹۰.

۵ همان، ج ۱، ص ۲۰۱.

همراه با بیان استدلالی و استنادی حقایق شیعه، که در متن مکاتبات به چشم می‌خورد، صورت دیگری از رویکردهای مذهبی در قالب نثر و نظم وجود دارد که به نظر بیشتر در توصیف مناقب امام و مناسبات ایشان با پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> است. این شکل از توصیف که به نظر از جنبه‌ی تبلیغاتی حایز اهمیت بیشتری است، در اکثر نامه‌ها، اعم از دوستانه یا خصمانه، به چشم می‌خورد. در بررسی متن نامه‌ها می‌توان اذعان داشت که در موارد متعدد، بلافاصله پس از حمد و ستایش خداوند و پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، تحمید و تمجید صفات نیکوی امام علی<sup>(ع)</sup> و در مواقعی تمامی ائمه، مورد توجه بوده و یک رکن ثابت نامه‌ها را تشکیل می‌دهد است. در یکی از نامه‌های شاه اسماعیل چنین می‌خوانیم: «... چه الحق این جانب غیر ترویج مذهب حق ائمه هدی و اجرای احکام شریعت غرا و طریقت بیضای مصطفی و مرتضی که آیات بینات کتاب واحادیث صحیحہ صریحہ نبوی بر حقیقت این دو شاهد، شاهد عدل مزکی‌اند. هدفی ندارم»<sup>۱</sup>. در برخی از نامه‌ها که جنبه‌ی تهدیدی آن‌ها افزون بود، اشعار و متنی در نظر گرفته می‌شد که مناسب همان شرایط باشد:

یا دست در دامن حیدر زن و اندیشه‌مکن هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش<sup>۲</sup>

از جمله‌ی اشعار پر کاربرد که در نامه‌های تهدیدآمیز استفاده‌ی بیشتری داشت، این ابیات بودند:

زمشرق تا به مغرب گرامام است علی و آل او را ما تمام است<sup>۳</sup>

هرچند جلوه‌های نظم بیشتر در محامد و محاسن ائمه سروده می‌شد و توصیف منزلت آن بزرگواران بود، اما این روش مانعی نبود که ابیاتی نیز درج شوند که جلوه‌های ولایت و امامت آن حضرت را مطرح نکنند. از آن جمله می‌توان به این مورد اشاره نمود:

آن که بلاشپه وصی نبی است شیر خدا شاه ولایت علی است

اوست نهال چمن لا فتی اوست منافق کش خیر گشا<sup>۴</sup>

به رغم آن که در قسمت آیات و روایات مستندات کاربردی تشابهات زیادی در نامه‌ها دارند، و معمولاً یک آیه و یا حدیث به عنوان استناد در چندین نامه مورد توجه و تمرکز بوده است؛

۱ نوایی، شاه اسماعیل، ص ۴۸.

۲ همان، ص ۷۲.

۳ همان‌جا.

۴ نوایی، شاه تهماسب، ص ۴۲.

اما در قسمت نثر و نظم قلم حیظه‌ی گسترده‌تری در اختیار داشته است و کم‌تر با تکرار مواجه هستیم و به ندرت اشعاری می‌توان یافت که به شکل مکرر در نامه‌ها ارائه شده باشد. جنبه‌ی توصیفی یافتن این قسمت، یکی از دلایل مهمی است که امکان مناسبی در اختیار تنظیم‌کنندگان نامه‌ها قرار داده است تا در توصیف مناقب ائمه از تنوع و تکرار افزون‌تری بهره‌برند و در این خصوص قلم‌فرسایی بیش‌تری کنند.

### نتیجه‌گیری

مبتنی بر آنچه در این نوشتار ذکر شد، می‌توان اذعان داشت، عرصه‌ی نامه‌نگاری یکی از راه‌های انتقال و دریافت خواسته‌ها و باورهای سیاسی و مذهبی بوده است. در عین حال، در دورانی که وسایل ارتباط جمعی متنوع و متکثری در اختیار نبود، نامه‌نگاری نقش اساسی‌ای در ارتباطات ایفا می‌نمود و در اشکال گوناگون، مانند تدوین مناسبات صلح آمیز یا تهدید و تحریک طرف مقابل و یا تخریب نگرش‌های سیاسی و مذهبی دشمن، از آن بهره‌می‌جستند. حکومت صفویه نیز به عنوان یک قدرت سیاسی و مذهبی متمایز و متفاوت نسبت به همسایگان شرقی و غربی، فارغ از این نیاز نبود که بخشی از رویکردهای خود را با استفاده از نامه به حریفان و دشمنان انتقال دهد. از همین رو و با توجه به مناسبات غیر دوستانه‌ای که در بیش‌تر مواقع در نیمه‌ی اول عصر صفوی با همسایگان شرقی و غربی وجود داشت، نامه به عنوان یک اصل ارتباطی همیشه جایگاه خاصی در مناسبات خارجی صفویه داشته است. تکرار و تعدد این نامه‌ها دست‌کم با اتکا بر بخشی که بازمانده و به چاپ رسیده است، این تمرکز را نشان می‌دهد. در کنار سایر بهره‌مندی‌هایی که متن نامه‌ها برای صفویه به دنبال داشت، یکی از وجوه بارز و مشهور در متن نامه‌ها چشم‌انداز و رویکردهای مذهبی صفویه است که به خوبی خود را نشان می‌دهد. این جلوه‌ها در اشکال متفاوت و با اهداف متنوع تنظیم شده‌اند. به نظر می‌رسد بخشی از آن‌ها در پی اثبات و تبیین حقانیت مذهب شیعه در برابر مذهب اهل سنت بوده است. به همین دلیل، با اتکا بر آیات، روایات و دست‌مایه‌ی نثر و نظم، این رویکرد را در متن اکثر نامه‌ها می‌توان به وضوح دریافت. در کنار جنبه‌ی اثباتی و احتجاجی بر حقانیت شیعه و ائمه‌ی اطهار، جلوه‌ی سلبی هم به چشم می‌خورد که به منظور نفی مستند باورهای مذهبی طرف مقابل به کار گرفته شده است. علاوه بر این، چشم‌اندازهای توصیفی و تمحیدی زیادی در خصوص ائمه در اکثر نامه‌ها وجود دارد که می‌توان وجوه تبلیغی را از آن استنباط نمود. اما

آنچه پرسش عمده‌ی این نوشتار محسوب می‌شود، در کنار میزان تمرکز و توجه صفویان به شعایر شیعه در مکاتبات، جلوه‌های کارشناسی مضامین و مستندات کاربردی است. با توجه به آنچه در متن مقاله آمد، نوع استفاده از آیات و روایات به گونه‌ای است که نشان می‌دهد کارشناسان تنظیم نامه‌ها که احتمالاً عالمان صاحب صلاحیت مذهبی بوده‌اند، به خوبی از میزان اعتبار و اتقان آیات و روایات، هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت، آگاهی داشته‌اند. به همین دلیل، در خصوص استفاده از این مستندات، ظاهراً نهایت دقت و اعتبار سنجی لازم صورت گرفته است.

## منابع و مآخذ

- ابن بابویه، علی (۱۴۰۴ق)، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، ۴ ج، قم: جامعه المدرسین، چ ۲.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین ابی‌الفضل (۱۳۹۰ق)، *لسان‌المیزان*، ۷ ج، بیروت: مؤسسة‌الاعلمی، چ ۲.
- اصطخری، ابواسحاق‌ابراهیم (۱۳۶۸)، *مسالک و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳.
- افوشته‌ای نظنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *نقاوه‌الآثار*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۷۰)، *تاریخ سیستان*، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲)، *تاریخ غزنویان*، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بروجردی، سید ابراهیم (۱۳۴۱)، *تفسیر جامع*، ۷ ج، تهران: انتشارات صدر، چ ۳.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴ق)، *انساب‌الاشراف*، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسة‌الاعلمی.
- نابتیان، ذبیح (۱۳۴۳)، *اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره‌ی صفویه*، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین (۱۳۳۷)، *تفسیر گازر*، ۱۰ ج، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاکم نیشابوری، محمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف المرعشی، ۴ ج، بیروت: دارالمعرفه.
- حسکانی، حاکم ابوالقاسم (۱۳۸۱)، *سبای امام علی<sup>(ع)</sup> در قرآن*، ترجمه‌ی یعقوب جعفری، تهران: انتشارات اسوه.
- خزاعی نیشابوری، حسین بن علی (۱۳۷۴)، *روض الجنان روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ۱۴ ج، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ریاض‌الاسلام (۱۳۷۳)، *تاریخ روابط ایران و هند*، ترجمه‌ی محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۳/۵، تهران: انتشارات فردوسی، چ ۷.

- عاملی، شیخ حر(۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، ۳۰ ج، قم: مؤسسه آل البیت.
- طبرسی، شیخ ابوعلی(۱۳۵۰)، ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، ترجمه‌ی سید ابراهیم میرباقری و احمد بهشتی و دیگران، ۲۷ ج، تهران: نشر فراهانی.
- کاشانی، ملا فتح الله(۱۳۴۴)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۱۰ ج، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چ ۲.
- ----- (۱۳۷۴)، تفسیر خلاصه المنهج، ۶ ج، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کاشف الغطا، شیخ جعفر [بی تا]، کشف الغطا، ۲ ج، اصفهان: انتشارات مهدوی.
- کلوزنر، کارلا(۱۲۶۳)، دیوانسالاری در عهد سلجوقی، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۶۷ق)، اصول کافی، ۸ ج، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۳.
- لاهیجی، بهاء‌الدین محمد(۱۳۶۳)، تفسیر شریف لاهیجی، ۴ ج، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ناجی، محمدرضا(۱۳۶۸)، فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نوایی، عبدالحسین(۱۳۲۴)، «سواد رقم عباس میرزا نایب السلطنه به میرزا محمد علی آشتیانی»، مجله‌ی یادگار، ش ۶، س ۲.
- ----- (۱۳۴۷)، شاه اسماعیل صفوی(اسناد و مکاتبات تاریخی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ----- (۱۳۵۰)، شاه تهماسب(اسناد و مکاتبات تاریخی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ----- (۱۳۶۶)، شاه عباس(اسناد و مکاتبات تاریخی)، ۳ ج، تهران: انتشارات زرین، چ ۲.
- مردانی، فیروز(۱۳۷۷)، «ترسل و نامه نگاری در ادب فارسی»، کیهان فرهنگی، ش ۱۴۷، صص ۳۷-۴۳.
- مؤید بغدادی، بهاء‌الدین محمد(۱۳۸۵)، التوسل الی التوسل، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: انتشارات اساطیر.
- منشآت سلیمانی(۱۳۸۸)، به کوشش رسول جعفریان، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مینورسکی، ولادیمیر(۱۳۶۸)، سازمان‌های اداری حکومت صفویه، ترجمه‌ی مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۲.
- واعظ کاشفی، کمال‌الدین حسین(۱۳۱۷)، تفسیر مواهب علیّه، ۴ ج، تهران: کتابفروشی اقبال.
- وشمگیر زیاری، عنصرالمعالی کیکاووس(۱۳۷۸)، قابوس‌نامه، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۷.
- همدانی، سیدمحمدحسین(۱۳۸۰ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۸ ج، تهران: کتابفروشی لطفی.